

دانشگاه پيام نور مركزقزوين

موضوع :

**تاثير مهد كودك بر رشد هوش علمي كوكان 7 تا 9 ساله شهرستان ابهر**

**استاد:**

**تهيه كننده:**



**چكيده**

اين تحقيق به منظور بررسي تأثير مهد كودك در بالا بردن هوش عملي مقاطع اول و دوم و سوم ابتدايي كه قبل از ورود به مدرسه دورة مهد كودك و پيش دبستاني را طي كرده اند انجام گرفته است .

براي نمونه برداري از بين دانش آموزان شهرستان ابهر ، ناحيه يك آموزش و پرورش اين شهر تعداد 96 نفر در مقاطع تحصيلي اوّل ، دوّم ، سوّم به طور تصادفي خوشه اي گزينش شدند كه از اين تعداد نيمي پسر و نيمي دختر هستند .

فرضيه هاي اساسي اين پژوهش عبارتند از :

ـ رشد هوش عملي كودكان برخوردار از آموزش هاي مهد كودك بيش از رشد عملي كودكان محروم از آموزشهاي مهد كودك است .

ـ بين كودكان دختر و پسر برخوردار از آموزشهاي مهد كودك بر رشد هوش عملي تفاوت معناداري وجود دارد .

ـ نتايج بدست آمده از تحقيق حاكي از آن بود كه تفاوت بين دو گروه معنادار نبود .نتايج حاصل از آزمونt محاسبه شده مربوط به نمره هاي حاصل ازمكعبهاي كهس نشان داد كه فرض ضر بدردو گروه از پسران و دختران تاييد مي شود و فرض خلاف رد مي شود اين بدان معنا است كه رشد هوش عملي در دو گروه مهد رفته يا نرفته معني دار نبود به عبارت ديگر فرضيه پژوهش مبني بر تفاوت اين گروه تاكيد نمي شود.در كل يافته هاي اين پژوهش مي توان نتيجه گرفت كه آموزشهاي مهد كودك بر رشد هوش عمل تاثيري ندارد و بين رشد هوش عمل كودكان مهد كودك رفته و نرفته تفاوت معنا داري وجود ندارد.

فصل اوّل

 مقدمه

**مقدمه**

همه روزه در روزنامه ها آگهي تشكيل دوره هايي را مي خوانيم كه ادعا مي شود گذراندن آنها موجب بالا رقتن نمره هاي داوطلب در آزمونهايي نظير استعداد تحصيلي ، آزمون ورودي دوره هاي بعد از ليسانس و ...... مي شود .

آماده سازي داوطلبان براي گذراندن اينگونه آزمونها به كسب و كار سوادآوري تبديل شده است كه نوعي از آن را مي توان در مهد كودك مشاهده كرد . براساس تجربيات و بررسيهاي روان شناختي و تربيتي ، سال هاي اوليه زندگي كودكان نقش اساسي در رشد و پرورش آنان ايفا مي كند چرا كه 80 درصد شخصيت كودك ظرف 6 سال اوليه حيات شكل مي گيرد و بر اين اساس آموزش و پرورش پيش دبستاني از اهميت ويژه اي برخوردار بود . و تلاش عمدة دولت ها براين بوده است كه هر روزه تعداد بيشتري از كودكان تحت پوشش آموزشهاي اين دوره قرار گرفته و با توجه به ويژگيها و نيازهاي فردي از آموزشهاي مناسب و سازنده برخوردار گردند . اينكه آماده سازي تا چه حد مي تواند نمره هاي آزمونها را بهبود بخشيد خود مسلة بحث انگيزي است (مفيدي ، 1368) ؟

اگر بخواهيم در قرن 21 كه قدرت كشورها در نيروي انساني نهفته است به پيشرفت همه جانبه در زمينه هاي فردي ، اجتماعي ، اقتصادي ، صنعتي ، علمي و فرهنگي نايل شويم به شخصيت هاي رشد يافته انسان هاي متفكر و دست هاي ماهر و توانا نيازمنديم و چنين شخصيت هايي به جهت بالندگي همه جانبه بايد تربيت شوند . (اشتري ـ 1383) .

انسان از بدو تولد تا شش ـ هفت سالگي حساس ترين و مهمترين مراحل رشد خود را طي مي كند اين سالها مرحلة شكل گيري شخصيت است كه با حساسيت زياد كودك نسبت به پيرامون خود شخص مي شود و زمان آموزش قبل از دبستان است نفوذ تأثير اين منطقه مي تواند دائمي باشد . ثابت شده است كودكاني كه مراكز پيش دبستاني را طي كرده اند آسان تر از كودكاني كه از اين امتياز محروم بوده اند وارد دبستان و مرحلة بعدي تحصيل مي شوند بنابراين گذراندن دورة پيش دبستاني عامل مهمي در موفقيت تحصيلي به حساب مي آيد هرگاه مراكز پيش دبستاني نظير مهد كودك ها يا كودكستانها داراي برنامه هاي با كيفيت بالا باشند كمي ضروري براي خانواده ها در دنياي امروزي به شمار مي آيد . (باز اللهي ـ 1381) .

لذا كودكاني كه از حدود سه تا شش سالگي به مراكزي مي روند كه در آنجا بازي ـ تفريح و آزمايشات هوشي بر روي آنها انجام مي شود ، با اين فرض ها بايد داراي معلومات و تواناييهاي بيشتري باشند .

در اين تحقيق ، بررسي تأثير آموزشهاي مهد كودك بر رشد كودكان به عنوان اصلي در پژوهش حاضر است .

**بيان مسئله : (سوال پژوهشي)**

متخصصان عقيده دارند كه شخصيت هر انسان در شش سال اول زندگي شكل مي گيرد و لذا سال هاي اوليه زندگي كودك از نظر تعليم وتربيت بسيار پر اهميت مي باشد كه كوتاهي در مورد آن زيان بار است . امروزه جهت رشد و بالندگي بهتر كودكان از مراكزي نظير مهد كودك ها استفاده مي شود كه هدف از ايجاد اين مراكز كمك به رشد جسماني ، ذهني ، عاطفي و اجتماعي كودكان و در نهايت كمك به شكوفايي استعدادها و علايق آنان مي باشد . (پارسا و 1374) .

از طرفي آموزش و پرورش هم مانند بسياري ديگر از امور زندگي پيوسته در حال تغيير و تحول است از اين رو مسئولان تعليم و تربيت يك جامعه بخصوص معلمان و مربياني كه با كودكان در ارتباط هستند بايد به تحولات تعليم و تربيت و روش هاي پيشرفته تر آگاهي يافته و روش كار خود را اصلاح و تغيير دهند . (برقك ، 1372) .

تنها با تشخيص مراكز توجه و كانون ررغبت كودك مي توانيم مطلب مورد نياز او را به وي بياموزيم ، مي توان فعاليت هايي كه در برنامه روزانه ، هفتگي و ماهانه كلاس هاي آمادگي و يا ضميمه مهد كودك ها پيش بيني شده است را نظير فعاليت هاي زبان آموزي ، آموزش مفاهيم و علوم اجتماعي ، ديني و اخلاقي و هر نوع فعاليت را كه در اطراف يك موضوع متمركز شده را مركز فعاليت كودكان قرار دهيم (برقك ، 1372) .

لذا با توجه به آنچه توصيف شده در اين پژوهش سعي مي شود بررسي شود كه آيا بين كودكاني كه از آموزش هاي مهد كودك برخوردار بوده اند با كودكاني كه از اين آموزشها برخوردار نبوده اند تفاوت معناداري در رشد هوش عملي وجود دارد ؟ .

آيا بين كودكان دختر و پسر برخوردار از آموزش هاي مهد كودك بر رشد هوش عملي تفاوت معناداري وجود دارد ؟ .

**هدف پژوهش**

هدف اصلي پژوهش پي بردن به تأثيرات آموزش هاي مهد كودك بررشدهوش عملي كوكان است .

در واقع در اين پژوهش سعي مي شود بررسي صورت گيرد در بين كودكاني كه به مهد كودك رفته اند و آموزش ديده اند با كودكاني كه سابقة رفتن به مراكزي مثل مهد كودك ها را ندارند و مشخص شود كه بين اين 2 گروه چه تفاوت هايي مي تواند در خصوص رشد هوش عملي در آنان وجود داشته باشد ؟ آيا كودكان در اين مراكز فقط به بازيهاي ساده و حفظ شعر مي پردازند يانه در كنار آن به كسب تجارت و هوش عملي مثل : بازي با خمير و درست كردن اشيا و بازيهاي ابتكاري و بازيهاي خلاقيت را مي آموزند ؟ آيا اين آموزشها باعث بالا رفتن هوش عملي كودكان در آينده مي شود ؟

**اهميت پژوهش**

امروزه آموزش پيش از دبستان در كشورهاي در كشورهاي توسعه يافته در زمره بخش هاي اساسي آموزش عمومي به شمار مي رود در اين گونه كشورها از ساليان دور براي توسعه آموزش پيش دبستاني سرمايه گذاري شده است . تأثير آموزش هاي كودك در سنين زير شش سال برهمگان آشكار است و از زمانهاي دور انديشمنداني چون افلاطون ارسطو ، كمينوس ، شروع تعليم وتربيت را از دامان مادر واوان كودكي پيشنهاد نموده اند . انديشمندان حوزه تعليم وتربيت دورة‌ معاصر همچون فردبل ، ردسود پستالوزي و ... نيز بر اين امر تأكيد نموده و معتقدند سال هاي اول زندگي و تجربيات يافته هاي اين دوره پايه و اساس يادگيري و موفقيت هاي آينده كودكان به شمار مي رود .

تحقيقات انجام شده از تأثير نگرش اوليا بر تعليم وتربيت كودكان گواهي مي دهند چنان كه اوليا آگاه و علاقمند به رشد كودك در پرورش كودكان خود موفق تر بود . و كودكاني شاد ، سالم و پويا به جامعه تحويل داده اند . خانواده هايي كه به سرنوشت كودك خود مي انديشند قطعاً با به كارگيري همه امكانات به منظور رسيدن به وضعيت مطلوب با تصويرهاي ذهني مثبت براي كودك خويش گام بر مي دارند . اين گونه اوليا با آگاهي ازاين كه آموزش پيش از دبستان (دورة 3 تا 6 سال ، نقش بسزايي در رشد پرورش و خلاقيت و توانمندي ها و شخصيت كودك در فرهنگ پذيري و جامعه پذيري دارد در تلاش براي شناسايي مراكزي هستند كه بدون هيچ گونه فشار رواني آنهارا با نقش هاي گوناگون افراد و تأثير آن بر زندگي آشنا نمايند و با دقت و توجه به نيازهاي كودكان زمينة كسب تجربيات كودك را فراهم آورند . ) (اشتري ـ 1383) .

از طرفي هزينه كردن در اين مقطع سني با برنامه ها و آموزشهاي صحيح براي كودكان سبب مي شود بستر فرهنگي مناسبي براي تغيير بسياري از عادات غلط باشد ، تأثير آموزشهاي مستقيم در اين دوران چندين برابر آموزشهاي غير مستقيم نظير رسانه هاي گروهي است و نيز از لحاظ حقوقي هم پرداختن به آموزش كودكان يعني حمايت از حقوق شناخته شدة آنان . (اللهياري و همكاران 1380) .

ـ اما اينكه مهد كودك (اين آموزش ها) تا چه حد بر روي هوش عملي كودكان مؤثر است نيازمند بررسي و مطالعة بيشتر است ؟